

Monotheistic Insight and Its Functions in Interpretation of the Qur'an, with an Emphasis on the Interpretive Views of Ayatollah Alavi Sabzevari

Javad Salmanzadeh¹

Received: 26/01/2023

Accepted: 16/01/2024



Abstract

The monotheistic insight, as the most fundamental theoretical concept, has constructive effects in various aspects of life, and its absence will lead to detrimental consequences. Considering the importance and high status of this concept, the present research tries to deal with its effects in the field of interpretation by introducing this insight as a fundamental and very effective concept. This research, using library and documentary methods, has gathered notes from the interpretive works of Ayatollah Alavi Sabzevari. Through description and analysis of these notes, it has concluded that the monotheistic perspective leaves significant and influential impacts on the field of interpretation. It directs the interpreter's mind towards the most important concepts such as 'divine servitude,' 'monotheistic lordship,' 'priority of religion,' 'guardianship,' 'sincerity,' 'orientation towards the Hereafter,' 'spirituality,' 'faithfulness,' 'justice,' 'sanctity of Quranic words,' and so forth."

Keywords

Monotheism, Monotheistic belief, Fundamental concepts, Divine servitude, Religiosity.

1. Assistant Professor, Qur'an and Hadith Sciences, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.
j.salmanzadeh@hsu.ac.ir

* Salmanzadeh, J. (1402 AP). Monotheistic Insight and Its Functions in Interpretation of the Qur'an, with an Emphasis on the Interpretive Views of Ayatollah Alavi Sabzevari. *Journal of Studies of Qur'anic Sciences*, 5(17), pp. 68-100. <https://doi.org/10.22081/JQSS.2024.65652.1248>.

بینش توحیدی و کارکردهای آن در تفسیر با تکیه بر آ... تفسیری آیت‌الله علوی سبزواری

جواد سلمان‌زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶



چکیده

بینش توحیدی در جایگاه بنیادی‌ترین مفهوم نظری، آثار سازنده‌ای در ساحات گوناگون زندگی دارد و نبود آن، باعث پیامدهای زاینباری خواهد شد. نظر به اهمیت و جایگاه والای این مفهوم، پژوهش حاضر در صدد است با معرفی این بینش به‌عنوان مفهومی بنیادی و بسیار اثرگذار، آثار آن را در ساحات تفسیر پیگیری کند. این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی، یادداشت‌هایی را از برگه‌های تفسیری آیت‌الله علوی سبزواری گردآوری کرده و با توصیف و تحلیل آنها بدین نتیجه رسیده است که بینش توحیدی آثاری زیاد و مهم در ساحات تفسیر بر جای می‌گذارد و ذهن مفسر را به‌سوی مهم‌ترین مفاهیم چون «خدامحوری»، «ربوبیت توحیدی»، «اولویت‌مندی دین»، «ولایت‌مداری»، «اخلاص»، «آخرت‌مداری»، «معنویت‌مداری»، «ایمان‌مداری»، «حق‌مداری»، «تقدس الفاظ قرآن» و ... گرا می‌دهد.

کلیدواژه‌ها

توحید، بینش توحیدی، مفاهیم بنیادی، خدامحوری، دین‌مداری، آرای تفسیری، آیت‌الله علوی سبزواری.

۱. استادیار، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. salmanzadeh@hsu.ac.ir

* سلمان‌زاده، جواد. (۱۴۰۲). بینش توحیدی و کارکردهای آن در تفسیر با تکیه بر آرای تفسیری آیت‌الله علوی سبزواری. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۵(۱۷)، صص ۶۸-۱۰۰.

<https://Doi.org/10.22081/IQSS.2024.65652.1248>.

مقدمه و بیان مسئله

مفسر می‌تواند تفسیر قرآن را از زوایا و دریچه‌های گوناگونی چون: انسانی، دنیوی، اخروی، ولایی، توحیدی و ... ارائه دهد. بدین معنا که با گزینش هر یک از زوایای مذکور، مفسر آیات قرآن را از آن زاویه می‌بیند و تفسیری با همان رنگ و بو نشان خواهد داد. برای نمونه، مفسر انسان‌مدار، آیات قرآن را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که منافع و جایگاه انسان در دنیا، آخرت یا هر دو تأمین و ارتقا یابد و مفسر آخرت‌محور، آیات قرآن را با ادبیاتی تفسیر خواهد کرد که آخرت انسان را تأمین کند؛ بنابراین زاویه دید تا اندازه زیادی تفسیر مفسر را جهت‌دهی می‌کند و الفاظ و محتوای تفسیری او را دستخوش تغییر قرار می‌دهد.

نظر به اهمیت زاویه دید، این نوشته بر آن است تا گرایش تفسیری و زاویه دید توحیدی را در پارادایم و ساحت تفسیر بررسی کند و کارکردهای این زاویه دید را در این ساحت علمی تبیین نماید.

جهت رسیدن بدین هدف، نخست لازم است، زاویه دید توحیدی تعریف و تبیین گردد تا بستر لازم برای شناسایی کارکردهای آن در پارادایم تفسیر فراهم گردد. سپس، شناسایی این کارکردها در آثار تفسیری آیت‌الله علوی سبزواری پی‌جویی می‌شود تا هم‌لیستی از کارکردهای زاویه دید توحیدی و بینش توحیدی مطرح گردد و فراتر از آن، شخصیت توحیدی این مفسر با اخلاص و گرانقدر رونمایی شود.

۱. پیشینه

مفهوم زاویه دید و بینش توحیدی، تا کنون کمتر مورد توجه پژوهش‌گران بوده است و به‌ویژه این زاویه دید در ساحت تفسیر به قلم پژوهش‌نیامده است. پژوهش‌های نزدیک و مرتبط با این پژوهش عبارتند از:

الله‌شناسی (حسینی طهرانی، ۱۴۲۲ق)، توحید (مصباح یزدی، ۱۳۶۷)، بنیاد توحید (حجازی، ۱۳۵۹)، ابعاد جهان‌بینی توحیدی قرآن (صادقی، ۱۳۵۹)، الگوهای روان‌درمانی یکپارچه با معرفی درمان یکپارچه توحیدی (شریفی‌نیا، ۱۳۹۱)، جهان‌بینی توحیدی (محمود مصطفی، ۱۳۵۹)، دیدگاه

توحیدی (ایزدی، ۱۳۷۰)، جهان‌بینی توحیدی (مطهری، ۱۳۷۷)، توحید داری دردها (وکیلی، ۱۳۹۷)، سلوک توحیدی (وکیلی، ۱۴۰۱).

اما اخیراً دو پژوهش انجام شده که نزدیکی و ارتباط بیشتری با این پژوهش دارند که تفاوت میان آن‌ها در ادامه بیان شده است:

«کارکردهای باور توحید عبادی در زندگی از دیدگاه آیات و روایات» (صدیقی، ۱۳۹۲) که این نوشته کوتاه و پرمحتوا، کارکردهای توحید عبادی را در دو دسته فردی و اجتماعی بیان کرده است. مهم‌ترین کارکردهای مورد توجه در این نوشتار عبارتند از: تربیت الهی، ترک منیت‌ها، سالم ماندن از گناهان، آرامش روان، فراموش نکردن یاد خدا، لطافت قلب، خوف از خدا، حکمت و بصیرت، نزول رزق الهی، اقتدار اجتماعی، وحدت و ...

این پژوهش با وجود ارتباط موضوعی و دستاوردی با پژوهش مذکور، تفاوت‌های قابل توجهی میان آن دو وجود دارد. از مهم‌ترین تفاوت‌ها، تفاوت در عنوان و مسئله پژوهش است که این پژوهش متمرکز بر بینش و زاویه دید توحیدی است که ماهیتی بینشی و اعتقادی دارد؛ درحالی‌که پژوهش مذکور متمرکز بر توحید عبادی است که از آن به اخلاص یاد می‌شود و ماهیتی رفتاری و عملی دارد. همین تفاوت اساسی، خروجی‌ها و دستاوردهای دو پژوهش را تا اندازه زیادی از هم جدا کرده است.

«بررسی جلوه‌های توحید در قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی» (کلاترزاده، ۱۳۹۷) که این مقاله با ذکر مقدماتی در مورد توحید، اقسام توحید را برشمرده است و توحید عملی را به‌عنوان سرنوشت‌سازترین قسم توحید به بررسی گذاشته است و جلوه‌های آن را توصیف کرده است. برخی مطالب این مقاله، در زمینه توحید نظری و بینش توحیدی و اهمیت آن است که در این پژوهش قابل استفاده می‌باشد. اما به بینش توحیدی و کارکردهای آن توجه ویژه ندارد و به‌طور خاص بدان نپرداخته است.

۲. روش پژوهش

در این پژوهش، از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. بدین ترتیب که

نخست، بر گه‌های تفسیری آیت‌الله علوی مطالعه شد تا کارکردهای بینش توحیدی شناسایی گردد و پس از گردآوری کارکردها، این کارکردها تبیین و تشریح گشتند و با تفاسیر مشابه دیگر مقایسه شدند.

۳. مفهوم‌شناسی

در این پژوهش، لازم است دو مفهوم «بینش توحیدی» و «آیت‌الله علوی سبزواری» توصیف و تبیین گردند.

۱-۳. بینش توحیدی

در برابر بینش شرک‌گرایانه، انسان‌مدارانه (اومانسیم)، التقاطی، ظاهری‌گری (صوری) و باطنی‌گری، بینشی در آموزه‌های اسلامی و کتاب قرآن به نام بینش توحیدی معرفی می‌گردد که دارای سه شاخص جامعیت، مانعیت و تمرکز بر الله (الله‌مداری) است. این بینش جامعیت دارد و دیگر بینش‌های صادق و حق را شامل می‌شود و با برخورداری از ویژگی مانعیت، فاقد دیگر بینش‌های کاذب است. مهم‌ترین شاخص بینش توحیدی، تمرکز آن بر حضرت حق است و ما سوی الله را وابسته و نیازمند به الله تعالی لحاظ می‌کند و هیچ موجودی را مستقل و جدای از الله تعالی در نظر نمی‌گیرد. در این بینش کارآمد و انسان‌ساز، خدای متعال به‌عنوان تنها موجود شایسته معبودبودن انتخاب می‌شود و دیگر موجودات، هویتشان را در نحوه ارتباط با این موجود باز می‌یابند. ارتباط خوب و مناسب با خدای متعال، به آن‌ها هویت حقیقی و ایمانی می‌بخشد و ارتباط بد و نامناسب با خدای متعال، هویتی باطل و کافرانه برای آن‌ها به دست می‌دهد. به‌عنوان مثال، در این نوع بینش، انسانی ارزشمند تقلی می‌شود که خدایی باشد (میرباقری، ۱۳۹۴، ص ۵).

وحدت و اتحادی که در این بینش وجود دارد و بینش توحیدی بر پایه آن استوار است، تمام قوا و سرمایه‌ها را در تک مسیر توحید به کار می‌اندازد و تجمع قوا در یک مسیر، نتیجه و دستاوردی شایانی حاصل خواهد آورد.

در بینش توحیدی، فقط اعتقاد به خالقیت مطرح نیست و اعتقاد به ربوبیت اجمالی نیست (وکیلی، ۱۴۰۰، ص ۲۲)، بلکه فراتر از آن، خدای متعال در خالقیت، ربوبیت، الوهیت، علم، هدایت، قدرت، رزق و در همه چیز یگانه است. فقط و فقط اوست و دیگران همه آئینه او هستند (وکیلی، ۱۴۰۰، ص ۴۷)؛ از این رو موحد با بینش توحیدی، خدای متعال را در تمام کمالات و همه خوبی‌ها تک و یگانه دانسته است و هر کمال و خیر و رحمتی را از آن خدا می‌داند. او این حقیقت را دائماً از قلب خود می‌گذراند و خداوند را در جای جای زندگی خود جا می‌دهد (وکیلی، ۱۴۰۰، ص ۲۲) تا جایی که همه مشغولیت و اشتغالش، توجه به امر و نهی خدا خواهد شد «وجمله اشتغاله فیما أمره الله تعالی به ونهاه عنه» (طبرسی، ۱۴۱۸ق، ص ۵۶۳) و به انقطاع از ما سوی الله می‌رسد «تفرغت لطاعة الله» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۱۶).

با توجه به آنچه گذشت، بینش توحیدی بهترین زاویه دید است که حقیقی‌ترین، جامع‌ترین و مفیدترین کارکردها و تصاویر را به دست می‌دهد؛ از این رو بایسته است که این زاویه دید در همه حوزه‌ها و ساحات زندگی مورد توجه قرار گیرد تا بتوان از کارکردهای آن بهره‌وفی را کسب کرد.

۲-۳. آیت‌الله علوی سبزواری

آیت‌الله سیدمحمدحسن علوی سبزواری در تاریخ ۲۸ رمضان ۱۳۴۹ق در سبزواری در بیت علم و معنویت متولد شد. والدین ایشان از خاندان علمی و سادات بودند. ایشان در همان نوجوانی، دروس حوزه را آغاز کردند و پس از تکمیل مقداری از ادبیات عرب، کلام و حدیث، دروس تخصصی حوزه چون: لمعه، مکاسب، رسائل و کفایه را نزد آیت‌الله شیخ محمدتقی عندلیبی و آیت‌الله میرزاحسن سیادتی آموختند.

در سال ۱۳۷۷ق (مصادف با ۱۳۳۶ش) به قم عزیمت کردند و مجدداً برخی دروس را دوباره فراگرفتند و بقیه مکاسب و کفایه را نزد آیات عظام میرزاعلی فیض مشکینی اردبیلی، میرزامحمد مجاهدی تبریزی و سیدمحمدباقر سلطانی طباطبایی بروجردی آموختند.

آن گاه ۶ سال در درس خارج فقه و اصول امام خمینی علیه السلام حاضر شده و پس از تبعید ایشان به عراق، از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۷ به مدت ۵ سال از درس خارج فقه آیت الله العظمی سیدمحمد رضا گلپایگانی علیه السلام استفاده کردند. دیگر استادان خارج ایشان عبارتند از: آیت الله حاج سیدمحمد محقق داماد، آیت الله سید کاظم شریعتمداری، آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی و آیت الله میرزا هاشم آملی.

آیت الله علوی سبزواری، شرح منظومه را نیز نزد آیت الله شیخ جعفر سبحانی تبریزی آموختند و اسفار ملاصدرا را در محضر آیت الله شهید دکتر مفتاح و علامه طباطبایی فرا گرفتند. در سال ۱۳۸۷ق (مصادف با سال ۱۳۴۷ش) به سبزواری مراجعت کردند و پس از اقامت در وطن، به وظایف دینی همچون: تدریس، اقامه جماعت و رسیدگی به امور دینی مردم - از جمله اخذ وجوهات شرعی و رساندن آن به موارد مصرف مقرر شرعی آنها - اشتغال ورزیدند و از بسیاری از عالمان و مراجع تقلید اجازه روایت، امور حسبه، و کالت و نمایندگی داشتند.

آیت الله علوی سبزواری، عالمی ربانی، مؤدب، خوش اخلاق، متواضع، مهربان، صمیمی، مردمی بود که اخلاقی اجتماعی داشت. ایشان دغدغه دینی داشت و به امور مذهبی و دینی مردم می رسید و مورد توجه عموم مردم سبزواری بود.

روزبه روز بر موقعیت اجتماعی و محبوبیتش افزوده می شد، تا آنجا که عالم اول سبزواری و مرد شماره یک معنوی سبزواری به شمار می رفت. ایشان بسیار خوش حافظه و خوش گنده بود و کسی از مجالست با ایشان، احساس کسالت و خستگی نمی کرد.

وی در مبارزات مردم سبزواری علیه حکومت دیکتاتوری و ستمگر پهلوی دوم، همراه با مراجع معظم تقلید شیعه، از پیشگامان و فعالین انقلاب سبزواری بود. منزلش پایگاه انقلابیون بود. وی قبل و پس از انقلاب، در غم و شادی مردم سبزواری شریک بود.

اعزام مبلغ دینی به شهر سبزواری و روستاهای اطراف در ماه محرم، صفر و رمضان از فعالیت های دینی ایشان بود. در منزل وی، همیشه به روی همگان باز بود و منزلش، پناهگاه مردم بود. مردم سبزواری، با درگذشت ایشان، محبوب ترین عالم دینی خود را طی سالیان بسیار از دست دادند. آیت الله علوی سبزواری روز چهارشنبه اول بهمن ۱۳۹۹

هجری شمسی در گذشتند و به رحمت ایزدی پیوستند (نک: برگه‌های دست‌نوشته آیت‌الله علوی؛ <http://www.hsu.ac.ir/alavi>؛ <http://jahedkhabar.ir/?p=71363>).

جامعیت علمی ایشان و تبحر در علوم اسلامی مختلف، زمینه را برای پژوهش در آثار علمی ایشان فراهم ساخته است. از جمله آثار علمی به‌جامانده از ایشان، دست‌نوشته‌های تفسیری است که آیات و سوره‌هایی از قرآن را به‌طور موردی و پراکنده تفسیر کرده‌اند. این پژوهش بر آن است تا با مطالعه این آثار تفسیری، بارقه‌ای از دانش تفسیری ایشان را به جامعه علمی هدیه کند.

۴. کارکردهای بینش توحیدی

بینش توحیدی، به‌عنوان زاویه دید و نوع نگرش، کارکردها و فوائد گوناگونی در ساحت‌های مختلف بینشی، گرایشی و رفتاری به دست می‌دهد که برخی از این کارکردها عبارتند از:

توکل، محبت خدا، شکر، یقین، دعا، خوف، خضوع و خشوع، اخلاص، عزت، صبر، امید، صداقت، حیا، شرح صدر (حیدری، ۱۳۹۵، صص ۳۷، ۵۳، ۷۵، ۸۹، ۱۰۹، ۱۲۱، ۱۳۳، ۱۴۸، ۱۸۰، ۱۹۰، ۲۰۵، ۲۲۰، ۲۲۹، ۲۳۸)، خودشناسی، خداشناسی، قرآن‌شناسی، عمل به قرآن، ولی‌شناسی، مسئولیت‌پذیری حاکم و کارگزاران نسبت به مردم، مسئولیت‌پذیری امت اسلامی نسبت به رهبر اسلامی، مسئولیت‌پذیری مردم در برابر مردم (داودی، ۱۳۹۸، صص ۳۷، ۴۴، ۴۷، ۴۹، ۵۷، ۸۸، ۹۵)، توجه حقیقی به خداوند، توجه جدی به فرجام سلامت، امانت دانستن جسم، ارتقای سلامت جسمی و نگاهی متعادل و متوازن به سلامت جسمی (نورمحمدی، ۱۳۹۸).

همان‌گونه که پیداست، بینش توحیدی کارکردهای متعدد و فراوانی بر ابعاد گوناگون انسان به‌جای می‌گذارد. به‌گونه‌ای که می‌تواند جسم و روح او را دست‌خوش تحول قرار دهد و باورها، گرایش‌ها و رفتارهایش را به سوی صلاح و کمال راهبری کند.

اما آیا این بینش می‌تواند در ساحت فهم و تفسیر قرآن نقش‌آفرینی کند و مفسر را

به گرایش ویژه از تفسیر رهنمون کند و یا ادبیات و مفاهیمی خاصی بر تفسیر او حاکم سازد؟

۵. کارکردهای بینش توحیدی در آرای تفسیری آیت‌الله علوی

بینش توحیدی، به‌عنوان پیش‌فرضی تفسیری می‌تواند در روش تفسیر، زاویه دید مفسر، گرایش مفسر، نقاط برجسته تفسیر و ... اثر آفرین باشد. بدین ترتیب که مفسر تا اندازه زیادی تحت تاثیر این پیش‌فرض است که روش تفسیری خود را برمی‌گزیند تا بتواند با استفاده از این روش، فرضیه‌های خود را ثابت کند. او از این دریچه به آیات می‌نگرد که همواره حضور بی‌بدیل خدا را در آیات جستجو کند و گرایش‌های اخلاقی، معنوی و عبادی بیش از دیگر گرایش‌ها در این آرای تفسیری حضور دارند. مفسر تحت تأثیر بینش توحیدی، بیشتر در پی آیتی است که ذهنیت‌ها و فرضیه‌های او را تأیید می‌کنند و آیات اخلاقی و معنوی را بیشتر توجه می‌نهد. او در هر آیه، بر واژه‌ها و گزاره‌هایی تمرکز می‌کند که ارتباط بیشتری با این نوع بینش دارند. اما اگر بخواهیم نمونه‌های واضحی از اثرگذاری بینش توحیدی بر آرای تفسیری ایشان را فرادید نهیم، به موارد زیر اشاره می‌شود.

۵-۱. خدامحوری

مهم‌ترین کارکرد بینش توحیدی، خدامحوری است. خدامحوری به معنای انجام و یا قصد انجام کلیه اعمال و رفتار انسان براساس ملاک و معیارهایی است که خداوند برای آنها تعیین کرده است، به منظور کسب رضایت الهی (مشایخی، ۱۳۸۱). با توجه به این معنا، خدامحوری در برابر مفاهیمی چون: خردمحوری، رفاه‌محوری، اخلاق‌محوری (مشایخی، ۱۳۸۱)، انسان‌محوری (محمدی و دیگران، ۱۳۹۳)، خودمحوری، قوم‌محوری، ثروت‌محوری، مقام‌محوری و ... قرار می‌گیرد. انسان به فراخور ظرفیت بینشی و رفتاری خود می‌تواند هر یک از این مفاهیم را به‌عنوان محور و پایه زندگی خود قرار دهد.

اما در الگو و چارچوب فکری و فضای دینی و اسلامی، خدامحوری این گونه تبیین می‌شود که دین اسلام متشکل از آموزه‌های گوناگون توحید، معاد، نبوت و ... است و همه این آموزه‌ها، مبتنی و متمرکز بر آموزه محوری و بنیادین توحید می‌باشند و از خاستگاه و آبخور توحید، تولید و جهت‌دهی می‌گردند. این نگاه متمرکز بر آموزه‌های دینی تنها در بینش توحیدی قابل دستیابی است و این بینش در تفسیر توحیدی این گونه تجلی پیدا می‌کند که همه آموزه‌های ذکرشده در آیات با آموزه توحید ارتباط می‌گیرند و بر پایه این آموزه، استواری و اقتدار پیدا می‌کنند. برای نمونه، مفسر توحیدی ذیل برخی آیات قرآن این گونه می‌نویسد: «افراد گرامی پس از فوت، در پی چاپ منتخب ادعیه می‌روند، با اینکه کتب دعا بسیار است و آنچه را که زینده‌تر است، این است که کتابی و یا جزوه در زمینه آنچه را که بر افراد واجب شرعی است و یا راجح است چه از جنبه اعتقادات و یا از احکام و یا از جنبه اخلاق است، آن را بگذرانند. و آنچه در ابتدای امر روی آن تکیه می‌شود، آن وجود مقدس صانع است که بایستی شخص اعتقاد داشته باشد که موجودی است که او موجودات را آفریده و مشخص است که نمی‌شود اثر بدون مؤثر و اثر اثرگذار می‌خواهد و آن امری است که فطرت شخص حکایت می‌کند از چنین موجودی ...» (دست نوشته‌های آقا، شماره ۲۱۲۴، بارگذاری شده در <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>).

در این گفتار تفسیری، مفسرانسان‌ها را به ترویج معارف دینی و به‌ویژه معرفت توحید فرامی‌خواند و این فراخوان را چنین استدلال می‌کند که خدای متعال خالق همه موجودات است؛ لذا باید پیش از همه، آموزه توحید فهم و شناخته شود تا بتوان دیگر آموزه‌ها و معارف را در پرتو آن فهم کرد. چنان که برخی مفسران بدین حقیقت اذعان می‌کنند که همه معارف و حقایق قرآن بر پایه حقیقت واحد توحید استوار است که این حقیقت اصل است برای حقایق دیگر که فرع هستند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۰، ص ۱۳۵).

از همین رو، زمانی که مفسر با پیش‌فرض بینش توحیدی، آیات قرآن را تفسیر می‌کند، تمام تلاشش بر آن است که بیش از همه، نام و یاد خدا را زنده نگه دارد و همه موجودات و مفاهیم مطرح در آیه را به نوعی با خدای متعال مرتبط سازد.

۲-۵. توجه به انقطاع از غیرخدا و عدم درخواست از غیر او

در بینش توحیدی، همه چیز بر محور توحید تعریف می‌شود و بینش، گرایش و رفتار به گونه‌ای طراحی می‌شوند که همراهی با توحید و منجر به تقویت پدیده توحید گردند؛ از این رو، انقطاعی کامل از غیرخدا حاصل می‌شود که اتکا به غیرخدا را از دستور کار خارج می‌کند «وَتَبَيَّلْهُ إِلَيْهِ تَبْيِيلًا» (مزمّل، ۸).

مفسر توحیدی با استمداد از بینش توحیدی‌اش، آیه «وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَر» (ضحی، ۱۰) را این گونه تفسیر می‌کند:

«اصل، سؤال نداشتن است و چیز نخواستن، جالب است و ذات مطالبه، زبینه نیست؛ چه به عنوان وساطت و چه به عنوان مبلغ خواستن و چه به نحو دیگر» (دست‌نوشته‌های آقا، شماره ۲۰۶۸، بارگذاری شده در <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>).

مفسر توحیدی تحت تأثیر بینش توحیدی است که به انقطاع از غیرخدا می‌رسد و درخواست کردن از غیرخدا را زبینه و جالب نمی‌شمرد (دست‌نوشته‌های آقا، شماره ۲۱۲۹، بارگذاری شده در <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>). قال محمد بن علی الباقر عليه السلام «لا يكون العبد عابدا لله حق عبادته حتى ينقطع عن الخلق كلهم اليه فحينئذ يقول هذا خالص لي فيقبله بكرمه؛ هرگز بنده، عابد حقیقی و بنده واقعی نمی‌گردد مگر آنکه از تمام مخلوقات، قطع نظر کرده، تنها چشم به خدا داشته باشد که در این صورت خداوند متعال می‌گوید: این تنها برای من است. در نتیجه به کرمش، آن را می‌پذیرد» (طباطبایی بروجرودی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۵۹).

این نوع ارتباط با ممکنات هستی، انقطاعی از «ما سوی الله» برای انسان به دست می‌دهد که وارستگی و ناوابستگی به انسان می‌بخشد.

۳-۵. توجه به ربوبیت توحیدی

پس از پذیرش خالقیت خدای متعال، موضوع اثربخش‌تری که در بینش توحیدی مطرح است، ربوبیت است. ربوبیت بدین معنا است که خدای متعال پس از آفرینش

هستی، خود مدیریت و اداره آن را به عهده گرفته است. مالک مدبر عالم، خود اوست و جز او مالک و مدبری نیست (بهشتی، ۱۳۷۵).

پذیرش این معنا از ربوبیت برای موجودات بی‌اختیار چون جمادات، نباتات، حیوانات، فرشته‌ها و ... ساده و معمول است؛ اما در مورد موجودات مختار چون جن و انس، پذیرش آن به سادگی اتفاق نمی‌افتد. همین معنا از ربوبیت زمانی که در هندسه بینش توحیدی قرار می‌گیرد، در مورد موجودات مختار نیز پذیرفته و قابل دفاع می‌گردد.

از همین رو، مفسر توحیدی تحت تأثیر بینش توحیدی‌اش بدین معنا از ربوبیت توجه دارد و بر مبنای همین معنا از ربوبیت، آیات قرآن را تفسیر می‌کند. به عنوان نمونه، مفسر توحیدی در تفسیر «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق، ۱) واژه «رب» را به معنای ربوبیت می‌رساند و آن را این‌گونه معنا می‌کند: «من در کلیه امور، تحت نظر مقدس یک موجود مدبری هستم و او اداره می‌نماید آنچه را که از ناحیه من به‌وجود می‌آید، او تحت ربوبیت حضرت حق است و آنان که این معنا را نپذیرفته بودند و قائل بودند که فقط موضوع آفرینش مربوط به حضرت حق است و از او که گذشت، راجع به خود بنده است، این گفته در مقابل فرموده نبی اکرم ﷺ است که می‌فرماید: علاوه بر آفرینش، آنچه هست از جانب او است (دست‌نوشته‌های آقا، شماره ۲۱۲۵، بارگذاری شده در <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>). نتیجه پذیرش توحید ربوبی این است که عبادت اختصاص و انحصار در خدای متعال پیدا می‌کند و محبت الهی در کنار دیگر محبت‌ها اصالت می‌یابد (ریبی و نگارش، ۱۳۹۵) و این همان هندسه بینش توحیدی است که بر اصل توحید متمرکز است و همه خیرها را به سوی خدای متعال جهت‌دهی می‌کند.

۴-۵. اولویت‌مندی دین (توجه ویژه به دین)

از دیگر آثار بینش توحیدی بر ذهنیت مفسر این است که، توجه و گرای زیاد درباره دین در ذهن او ایجاد می‌کند و در فضای ذهنی مفسر توحیدی، دین جایگاهی والا و پررنگ دارد. این جایگاه برگرفته از اندیشه قرآنی ایشان است که در آیه «وَلَهُ مَا فِي

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِباً أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ» (نحل، ۵۲) به روشنی بدان اشاره شده است.

منظور از دین، مجموعه گزاره‌های معتبری است که اعتقادات، اعمال و گرایش‌های دیندار را جهت‌دهی می‌کنند (مؤمنی، ۱۳۹۱). این مجموعه می‌تواند موجب بالابردن یکپارچگی و معنادار شدن به شخصیت دیندار گردد و کمک فوق‌العاده‌ای به سلامت روانی او کند. در رابطه با پایین بودن اضطراب و دینی بودن افراد، می‌توان عنوان کرد که میان اضطراب با دینی بودن افراد، ارتباط معکوس وجود دارد. چون دین، نقش مهمی در هدفمند بودن زندگی انسان به وسیله کسب ارزش‌های سازنده دارد و امید نیز از دیگر دستاوردهای مهم دین برای افراد دین‌دار و مذهبی است (شوکت پورلطفی و شمسیان، ۱۴۰۰).

مفسر توحیدی تحت تاثیر بینش توحیدی‌اش، در بر گه‌های تفسیری خود، از دین زیاد سخن می‌گوید و نام و یاد دین در این بر گه‌ها، پرتکرار و زنده است. شاید بدین علت که دین فقط نقشه و چشم‌اندازی است که از سمت خدای متعال طراحی و اجرا می‌شود و زندگی بشری در سایه فقط همین نقشه و طراحی است که می‌تواند مسیر حقیقی‌اش را بی‌ماید. نمونه‌های توجه ویژه به دین و اولویت‌مندی دین در عبارت‌های زیر مشهود است:

دین از ناحیه حق است و نظردادن در قبال آن محل ندارد. بزرگ‌ترین مشکل، این است که برای خوش آمدن مردم، حضرت حق را به غضب در آورد. امام علیه الصلاه و السلام فرمودند: خریدی رضای مخلوق را که بدین وسیله، خشم موجود مقدس حق را برانگیختی (دست‌نوشته‌های آقا، شماره ۱۴۰۴، بارگذاری شده در <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>).

در کلام مذکور، پس از پذیرش حقانیت دین، نظر دین به عنوان تنها نظر مقبول معرفی شده است که همه دیگر نظرات در مقابل آن پذیرفته نمی‌شوند، زیرا پذیرش نظرات مخالف با دین، غضب حضرت حق را در پی دارد که تاوان و پیامدش چندان گران‌بار است.

قابل توجه است که نوع نگاه به دین در مراوده با دین و استفاده از آن اثرگذار است. گاه دین، به عنوان ابزاری شخصی و فردی دیده می‌شود و از حوزه امور فردی فراتر

نمی‌رود و گاه دین، به‌عنوان مجموعه‌ای کارآمد در همه حوزه‌ها و عرصه‌ها به‌کار گرفته می‌شود که این نوع رابطه با دین، محصول بینش توحیدی می‌باشد و این نوع رابطه تا دشوارترین عرصه‌ها برقرار است و در همه جا حضور می‌یابد.

۵-۵. اصالت عبودیت و بندگی

بندگی و عبودیت، کامل‌ترین مفهومی است که جایگاه انسان را مشخص می‌کند. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ وَ جَنَّ و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا پرستش کنند» (ذاریات، ۵۶)؛ بنابراین مفهوم بندگی، مفهومی مهم و کلیدی است و در بینش توحیدی دارای اهمیت می‌باشد. مفسر توحیدی به این مفهوم مهم و کلیدی توجه ویژه دارد و در تفسیر قرآن از آن زیاد یاد می‌کند، زیرا عبودیت از لوازم توحید ربوبی است و آیات «مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ...؛ من به آنها نگفتم جز آنچه را که به من فرمان دادی، که خدایی را که پروردگار من و پروردگار شماست بپرستید» (مائده، ۱۱۷) و «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوا هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ؛ به یقین خداوند پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید، این است راه راست» (آل عمران، ۵۱) عبودیت را بر خدای پروردگار منحصر می‌داند. به‌عنوان نمونه، در تفسیر سوره ماعون، مفسر توحیدی این‌گونه می‌نویسد: «بر ماست که بررسی کنیم وسیله بندگی را به‌وجود بیاوریم و پس از مشخص شدن و به‌کارزدن تا از آن فارغ نشدیم، به‌کار دیگر نپردازیم. البته در هر حال مراعات بندگی بایستی به‌هیچ وجه بریده نشود» (دست‌نوشته‌های آقا، شماره ۳۰۲۲، بارگذاری شده در: <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>).

اینکه مفسر، تدارک مسیر بندگی را مسئولیت انسان معرفی می‌کند، حاکی از جایگاه بالای بندگی در قاموس و ذهنیت او است. او آن‌قدر بندگی را مهم محسوب کرده است که انسان را به فراهم‌سازی مسیر بندگی ملزم می‌شمارد و رعایت و توجه همیشگی به بندگی را ضروری می‌داند. گو اینکه انسان در ابعاد مختلف زندگی، در فضا و پارادایمی زیست می‌کند که بندگی، شاخص اول آن است و همواره باید آن را در امور مختلف لحاظ کند تا مورد غفلت واقع نشود.

مفهوم بندگی در دست نوشته‌های آیت‌الله علوی بسیار پرتکرار و مورد توجه است. به گونه‌ای که می‌توان برداشت کرد که زندگی بدون بندگی، زندگی بی‌ارزش‌مانند. برخی از موارد توجه به مفهوم بندگی را می‌توان به برگه‌های زیر مراجعه کرد: (دست‌نوشته‌های آقا، شماره‌های ۲۰۹۶/۲۹۸۳/۱۵۲۳، بارگذاری شده در <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>).

۵-۶. ولایت‌مداری

ولایت، به معنی تصدی و صاحب‌اختیاری (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۲۵۶) حجت زمان (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۷۲۰) است که به انتخاب خدای متعال واقع می‌شود. با توجه به این معنا، ولایت‌مداری به معنای ترجیح نظر ولی بر دیگر نظرات اعم از نظرات خود و دیگران است که این نظر کاملاً و دقیقاً مطابق با نظر خدای متعال می‌باشد. پذیرش نظر ولی به عنوان نظر برگزیده و باورمندی به ولایت‌مداری از توابع و کارکردهای بینش توحیدی می‌باشد. بدین ترتیب که خدای متعال به جهت برخورداری از ماهیت غیب‌بودن، نماینده‌ای با ماهیت مردمی در زمین انتصاب می‌کند تا امر و نظر او را به مردم تبلیغ کند.

مفسر توحیدی با استفاده از همین بینش، در تفسیر آیات به ولایت‌مداری توجه ویژه می‌کند و جایگاه ویژه برای ولی خدا در نظر می‌گیرد. به عنوان نمونه، مفسر توحیدی در تفسیر آیه «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ» (قریش، ۳)، دیدگاه بت‌پرستان را نقد می‌کند که بت‌پرستان بت را مظهر حضرت حق می‌دانستند؛ در حالی که آنچه مشخص است، بت‌ها موجودی نیستند که قابلیت داشته باشند مظهر بودن را و مظهر بلکه معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌باشند (دست‌نوشته‌های آقا، شماره ۳۰۰۰، بارگذاری شده در: <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>).

در این تفسیر، ولایت‌مداری مفسر باعث شده است که ولی و معصوم را به عنوان تنها مظهر کامل برای خدای متعال معرفی کنند. حال آنکه بت‌پرستان که ولایت‌مدار نبودند و ولایت الهی را باور نداشتند، به جای معصوم، بت‌های دست‌ساز خود را به عنوان نماینده خدا لحاظ می‌کردند.

ولایت‌مداری و باورمندی به ولایت معصوم، فایده و کارکرد عملی به دنبال دارد که

مفسر توحیدی را به تبعیت و پیروی از ولی خدا سوق می‌دهد. این مفسر در تفسیر سوره عصر بدین کارکرد عملی توجه می‌دهد که هدف از عصر، خروج حضرت حجت علیه السلام است و ما تابع معصومان می‌باشیم و فرموده آن‌ها است که هر چه را متذکرند، بایستی بدو معتقد شد و در همان حد، نظر مقدس آنان را عملی نمود (دست نوشته‌های آقا، شماره ۲۱۹۶، بارگذاری شده در <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>). این برداشت تفسیری را می‌توان در روایت «نحن الادلاء علی الله» (صدوق، بی‌تا، ص ۱۵۲) جستجو کرد که معصومان خود را به عنوان راهنما و هادی به سوی خدا معرفی می‌کنند.

۷-۵. توجه ویژه و همیشگی به اخلاص

خلوص نهایی این است که انسان از هر چیزی که رنگ تعلق به غیر خدا دارد و غیرالهی است، پاک و خالص شود. انسان مخلص نه دلی در گروی دنیا دارد، نه بهشت و نه حتی خودش. او تمام هویت و دنیا و بهشتش را برای خدا می‌بیند و هیچ سهمی برای غیر خدا حتی خویشتن نمی‌بیند (وکیلی، ۱۴۰۰، ص ۱۸)، چرا که «الخير كله لله؛ هر چه خوبی در عالم است، متعلق به خداوند متعال می‌باشد». این راه تحقق توحید است (وکیلی، ۱۴۰۰، ص ۴۹).

به عنوان مثال، آیه «قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ؛ بگو: آیا با ما در باره خدا گفتگوی بی‌منطق و احتجاج نادرست می‌کنید؟! در حالی که او پروردگار ما و شماست [و همه کارهایش بر وفق حکمت و مصلحت است، و جای گفتگوی بی‌منطق و احتجاج نادرست نیست] و اعمال ما مربوط به خود ما و اعمال شما مربوط به خود شماست، و ما [در ایمان، اعتقاد، طاعت و عبادت] برای او اخلاص می‌ورزیم» (بقره، ۱۳۹) از محاجه برخی افراد با جامعه ایمانی، گزارش می‌دهد که در مورد خدای متعال مخالفت و ناسازگاری داشتند و جامعه ایمانی، دامن خود را از مخالفت و ناسازگاری آن‌ها بر می‌چیند و خود را خالصانه در محضر خدای متعال تسلیم می‌بیند. بخش قابل توجه در این آیه، عبارت «وَ نَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ» است که از مفهومی کلیدی به نام اخلاص خبر می‌دهد.

مفسر توحیدی ذیل این آیه، داد سخن را فراز می‌دهد تا اهمیت و جایگاه والای اخلاص را در بینش توحیدی خاطر نشان سازد. آیت‌الله علوی در تفسیر عبارت «وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ» می‌نویسند: «اخلاص بدین معناست که بنده چیزی یا کسی را در بندگی و عبادت شریک قرار ندهد و پرستش او فقط برای جلب رضایت خدا باشد. در آیه ۱۱۰ سوره کهف آمده است: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا؛ پس هر کس که به لقاء پروردگارش امید دارد، باید عمل شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند».

از آنجا که اخلاص از اثرگذاری بالایی برخوردار است، این مفسر توحیدی به آیات و روایات زیادی استناد می‌کند تا بیشتر از اخلاص سخن گوید و اهمیت مهم آن را برای مخاطب روشن تر نماید.

گاه اخلاص را به‌عنوان مهم‌ترین عامل قبول عمل ذکر می‌کند و دو رکعت نماز برای رضای خداوند را موجب دست‌یابی به بهشت معرفی می‌کند. «عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن عمر بن أذينة، عن إسماعيل بن يسار قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إن ربكم لرحيم يشكر القليل، إن العبد ليصلي ركعتين، يريدهما وجه الله فيدخله الله الجنة، وإنه ليتصدق بالدرهم، يريده وجه الله فيدخله الله به الجنة؛ اسماعيل بن يسار می‌گوید شنیدم از حضرت صادق عليه السلام که می‌فرمود: «پروردگار شما بسیار مهربان است که از عمل کوچکی هم تقدیر می‌کند. مثلاً بنده او دو رکعت نماز با خلوص نیت و برای رضای حق می‌خواند خداوند با همین عمل او را داخل بهشت می‌نماید و بنده او یک درهم با خلوص نیت و برای رضای خدا صدقه می‌دهد، خداوند با همین عمل او را داخل بهشت می‌نماید» (برقی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۵۳).

حال آنکه فقدان اخلاص باعث می‌شود که نظر و رأی دیگران معیار عمل قرار گیرد و توجه به رضایت و خوش‌آمد غیر پروردگار، بزرگ‌ترین عامل نابودی عمل می‌باشد (دست‌نوشته‌های آقا، شماره ۲۰۳۱، بارگذاری شده در <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>).

اینکه مفسر توحیدی در باب اخلاص زیاد سخن می‌گوید و از زوایای گوناگون و با ادبیات و تعابیر مختلف اخلاص را تبیین و توصیف می‌کند، حاکی از آن است که از

نظر او و در بینش توحیدی، اخلاص مفهومی اصلی و بنیادین در هندسه دین است و لازم است همیشه و همواره از این مفهوم در همه اعمال و رفتار بهره گرفت.

۸-۵. آخرت‌مداری

از عوامل و نتایج بینش توحیدی، اقبال به آخرت جاودان در برابر دنیای گذرا است. آخرت‌مداری به معنای ترک و رهاسازی دنیا نیست، بلکه در این بینش، آخرت به‌عنوان مقصد و موطن اصلی پذیرفته می‌شود و دنیا معبر و مسیری است که انسان برای رسیدن به موطن اصلی از آن عبور می‌کند و توشه و کمالات لازم برای آن موطن را از دنیا بر می‌گیرد. در تعریف آخرت‌گرایی این‌گونه آمده است که آخرت‌گرایی جنسی از ایمان توحیدی نسبت به موضوع آخرت است که به‌واسطه عاقبت‌نگری در امور ایجاد می‌شود و فوائد مهم و زیادی بر آن مترتب است (نک: کوچک‌زاده، ۱۳۹۹). این باور بر این اساس استوار است که در انسان حقیقتی وجود دارد که با متلاشی شدن بدن از بین نمی‌رود (طوبایی، ۱۳۸۵).

مفسر توحیدی با همین پیش‌فرض آخرت‌مداری، آیه «أَلَمْ نُشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (شرح، ۱) را این‌گونه تفسیر می‌کند: شرح صدر بی‌دینی به این نحو است که زندگی دنیا را ترجیح می‌دهند بر آخرت و شرح صدر دین‌دار به ترجیح آخرت است بر دنیا (دست‌نوشته‌های آقا، شماره ۲۰۸۴، بارگذاری شده در <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>).

این تفسیر از آیه کاملاً آخرت‌مداری مفسر توحیدی را آشکار می‌کند؛ زیرا در این آیه، از آخرت و آخرت‌مداری هیچ سخنی به میان نیامده است. اما مفسر توحیدی، شرح صدر را در دو دسته دینی و غیردینی توصیف می‌کند و معیار این دسته‌بندی را دنیامداری و آخرت‌مداری قرار می‌دهد. بی‌دین شرح صدرش را برای رسیدن به دنیا به کار می‌گیرد و دین‌دار از شرح صدر به‌عنوان ابزاری برای تامین جایگاه اخروی استفاده می‌کند.

۹-۵. اطاعت‌محوری

از دیگر مفاهیم برجسته در شبکه مفاهیم بینش توحیدی، مفهوم «اطاعت» است که

تعلق محض به خدا دارد. بینش توحیدی، دارنده‌اش را در صحنه عمل به عمل توحیدی فرامی‌خواند و اطاعت را به تنها مطاع آن، خدای متعال نسبت می‌دهد («... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُونِ») (آل عمران، ۵۰).

از همین رو مفسر توحیدی در تفسیر آیه «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» و نعمت پروردگارت را (که به تو ارزانی داشته) بازگو کن» (ضحی، ۱۱) با توجه به سیاق سوره ضحی می‌نویسد: «در هر کاری، مهر اطاعت حضرت حق به او بخورد. دو سوم مردم از برق برخوردارند با اینها همه، مخترع دوزخی است «و العنجه للمتقين و النار للملحدین». مخترع اگر نظرش امر حقی بوده، بسیار مقام عالی دارد. انسان باید به پروردگارش عنایت داشته باشد و اگر نداشت، هر کاری انجام دهد، مفید نیست و آن عدم فک رقبه است از نار (دست‌نوشته‌های آقا، شماره ۲۰۹۹، بارگذاری شده در <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>).

در این تفسیر، هر عمل و رفتاری فقط در سایه اطاعت از خدا است که ارزش و فایده پیدا می‌کند و عملی که در پرتو اطاعت انجام نگیرد، بی‌ارزش خواهد بود و انجام‌دهنده‌اش را به بهشت سعادت نخواهد رساند.

۵-۱۰. معنویت‌مداری

انسان در دنیا با دو ماهیت ماده و معنا زندگی می‌کند و از هر دو استفاده می‌کند. اما نحوه و اندازه استفاده از دو گانه ماده و معنا در میزان و کیفیت بهره‌برداری از آن دو اثرگذار است. اگر انسان میان دو گانه ماده و معنا، تنها به سمت ماده حرکت و معنویت را در زندگی تعطیل کند، زندگی حیوانی پیدا می‌کند و از مرتبه والای انسانی سقوط می‌کند. و چنانچه او معنویت را برگزیند و به ماده بی‌توجه بماند، زندگی ناقص جدی پیدا می‌کند و بازه زمانی معمولی زندگی او دستخوش تغییر می‌شود. اما زندگی معتدل بشری اقتضا می‌کند که از هر دو گانه ماده و معنا استفاده کند، اما ماده را تنها در مسیر تکامل معنا قرار دهد تا استفاده از ماده، مسیر هدفمند پیدا کند و همواره در مسیر رشد و

تکامل حرکت کند. این نحوه استفاده از ماده و معنا اصطلاحاً به معنویت‌مداری نام برده می‌شود که با وجود استفاده از ماده، ولی ابتدا و تمرکز بر معنا است و آفتاب معنویت بر آسمان زندگی همیشه برقرار است حتی در مادی‌ترین امور! چنان‌که در تعریف معنویت به جستجوی امر مقدس یا معنا (سعیدی، ۱۳۹۹)، منظور از جستجو، توجه محض و تمرکز بر معنا یا امر مقدس نیست، بلکه جستجو به معنای ترجیح و اولویت‌دادن معنا بر ماده و امر مقدس بر امر غیرمقدس مقصود می‌باشد.

تحت تأثیر این نگرش معنویت‌مدارانه، مفسر توحیدی آیات قرآن را این‌گونه تفسیر می‌کند:

«وَمَا يَعْزُبُ عَنْهُ مَالٌ إِذَا تَرَدَّى» (لیل، ۱۱): ثروت آن‌طور که بایست هست و در مردمی وجود دارد، منتهی عده‌ای از آن‌ها از علم دین دورند و با اینکه اوضاع به‌طور کلی تغییر کرده؛ مثلاً مسافرت در دو ماه، اکنون به‌صورت یک ساعت عملی می‌شود و با این سنخ تغییرات سبب می‌شود که شخص بیشتر به حضرت حق توجه نماید. ولی از مرحله انسانی دورند و سقوط نمودند. و استعدادی که دارند، هرچه هست، در امور مادی به کار می‌زنند و آنچه بر اثر آن، خود را از معنویات دور نمودند، در مقابل اسفل السافلین به‌عنوان دوزخ برای آن‌ها معرفی شده و نصیب آن‌ها خواهد بود (دست‌نوشته‌های آقا، شماره ۲۱۲۸، بارگذاری شده در <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>).

در این بیان تفسیری، وضعیت کنونی حیات بشری با وضعیت گذشته مقایسه شده است که سرعت انجام کارها در وضعیت کنونی بسیار نسبت به وضعیت گذشته رشد و پیشرفت داشته است. اما بشر زمانی از این رشد و پیشرفت ظاهری، بهره حقیقی را برداشت خواهد کرد که از این رشد پیش آمده در مسیر درست و به نحو درست استفاده کند. و نحوه درست از رشد و پیشرفت، این است که رشد در مسیر معنویت به کار گرفته شود. نه اینکه رشد تنها برای پیشرفت مادی و انبوه ثروت و مقام استفاده گردد، بی‌آنکه تغییری و بهبودی در معنا و معنویت حاصل گردد که چون چنین شود، حیات متعالی بشری به زندگی حیوانی تنزل رفته است.

۵-۱۱. ایمان‌مداری

ایمان به معنای علم و تصدیق (خادمی و ماجدی، ۱۳۹۳)، تعلق و پیوند قلبی نسبت به موضوعات و موجودات خاص است که در بینش توحیدی از جایگاه بسیار والایی برخوردار است؛ از همین رو، مفسر توحیدی در تفسیر خود از مفهوم ایمان زیاد استفاده می‌کند و این مفهوم، حضوری پررنگ در تفسیر توحیدی دارد. برای نمونه در تفسیر آیه «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (عصر، ۳)، مفسر توحیدی چنین می‌نویسد: «ارمنی را برتری می‌دهند در کار شخصی خود بر مسلمان و این گفته بی‌جا است. چون او متکی به ایمان نیست و مثلاً متکی است به امر اقتصادی و یا غیر آن که زیندگی ندارد (دست‌نوشته‌های آقا، شماره ۱۳۷۵، بارگذاری شده در <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>).

مثالی که مفسر توحیدی در تفسیر آیه مذکور استفاده می‌کند، به روشنی اهمیت زیرساختی بودن ایمان را خاطر نشان می‌کند. او در این مثال، مسلمان را به جهت زیندگی به عنصر ایمان بر دیگر انسان‌ها برتری می‌دهد و معیار برتری و فضیلت را ایمان معرفی می‌کند. این برتری از آن روست که ایمان نقش چشم‌گیری در گرایش و رفتار دارا می‌باشد و اندازه اثرگذاری آن در اصلاح گرایش و رفتار بسی بسیار است. چه اینکه ایمان، تنها عنصر بنیادی و پایدار است که قابل اعتماد می‌باشد و می‌توان اثرگذاری آن بر دیگر عناصر چون گرایش و رفتار را همیشه شاهد بود.

۵-۱۲. حق‌مداری

حق به معنای ثابت نقیض باطل (هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۴۷) و به معنای اختصاص (محسنی، ۱۴۰۰) همواره مطلوب انسان در همه حوزه‌ها بوده است که گاه به درستی یافت می‌شود و گاه با تشخیص نادرست، خلاف آن مورد عمل واقع می‌گردد. با توجه به تسری حق در همه حوزه‌های زندگی بشری و نقش داشتن آن در رسیدن به سعادت، این مفهوم به مفهومی مهم و بنیادین تبدیل شده است که در بینش توحیدی بدان توجه بسیار می‌شود. چنانکه مفسر توحیدی در تفسیر آیات از این مفهوم

زیاد سخن می گوید و از آن به عنوان مفهومی معیار و میزان استفاده می کند. به عنوان مثال، حق می تواند به عنوان معیار در روابط عمومی مورد استفاده قرار گیرد. بدین گونه که چون شخص بخواهد با فردی راه ارتباط را باز کند، اول ببیند که حق باوری در او هست. پس از آنکه بود، باقی دیگر هر چه بود، روی آن حساب نمی شود و آنان که در کربلا بودند، حق شناس نبودند که چنان شدند (دست نوشته های آقا، شماره ۳۰۳۲، بارگذاری شده در <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>).

در این بیان مفسر توحیدی، حق به عنوان نخستین و تنها معیار در روابط عمومی معرفی شده است که شروع و بقای ارتباط با دیگران را تنظیم و نظارت می کند.

۱۳-۵. توجه به متعلقات ویژه الهی

در بینش توحیدی، همه موضوعات، مفاهیم و موجودات در سایه خدای متعال تعریف می شوند و خداوند به عنوان آفریننده و پروردگار همه مفاهیم و موجودات، همیشه همراه آن ها در نظر گرفته می شود. در میان این مفاهیم و موجودات، برخی موجودات از اعتبار، ارزش و جایگاه بالاتری برخوردار هستند و مفسر توحیدی توجهی ویژه به آن ها دارد. نمونه را می توان به «مسجد الحرام» اشاره کرد که چون آنجا محل نزول قرآن بوده است، خواندن قرآن در آنجا نشاطی دارد (دست نوشته های آقا، شماره ۲۰۴۷، بارگذاری شده در <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>). این نشاط برخاسته از جایگاه و ارزشی است که این مکان بدان رفعت یافته است؛ همچنین؛ همچنین ماه مبارک رمضان از جمله زمان هایی است که به جهت وقوع نزول قرآن در آن، از شادابی و نشاط ویژه ای برخوردار است و مؤمن در این ماه مبارک، شادابی خاصی را در می یابد (دست نوشته های آقا، شماره ۲۰۴۷، بارگذاری شده در <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>).

توجه زیاد به متعلقات الهی حاکی از سطحی بالا از بینش توحیدی می باشد که موحد را نه تنها در یاد خدا نگه می دارد که متعلقات و منسوبات او را ارزشی ویژه می دهد که در ذهن و جان موحد، همواره زنده هستند.

۵-۱۴. اعتماد به تقدس الفاظ قرآن

از دیگر کارکردهای بینش توحیدی در تفسیر، این است که مفسر برای صرف الفاظ قرآن، جایگاه والایی در نظر می‌گیرد و نوعی تقدس و ارزشمندی بدان‌ها می‌بخشد. این تقدس و ارزشمندی الفاظ قرآن به جهت انتساب آن‌ها به خدای متعال است که امیرمؤمنان علیه السلام درباره این الفاظ می‌فرماید: «وإنما كلامه سبحانه فعل منه أنشأه ومثله لم يكن من قبل ذلك كائنا، ولو كان قديما لكان إلها ثانيا؛ گفته خدای سبحان با کرده او یکی است، که پدیدش آورد، و گفته‌اش از کرده‌اش جدا نیست. آن را پدید آورد و پیش از آن نبود، و گر نه خدای دیگری می‌بود» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶).

در این روایت، حضرت برای توصیف نزول قرآن، از تعبیر «تمثیل» استفاده کردند که بیانگر تنزل و تبدل حقیقت دست نیافتنی کلام خدا به امری محسوس در قالب تمثیل است (پوررستمی، ۱۳۹۱) که این تمثیل بر عبارات و الفاظ تعلق می‌گیرد (پوررستمی، ۱۳۹۱، ص ۹۴)؛ زیرا تنها موجود محسوس در پدیده نزول، همین الفاظ و عبارات می‌باشند. با توجه به اهمیت بالای الفاظ قرآن و تفاوت این الفاظ با الفاظ دیگر کتب، مفسر توحیدی توجه ویژه‌ای بدان دارد. به‌عنوان نمونه، آیه الله علوی در مورد تقدس الفاظ قرآن این‌گونه می‌نویسند: «در قرآن خواندن، حق تعالی نیز جدای از ثواب، طرف حساب است و از ترجمه قرآن خواندن، این هنر از او ساخته نیست» (دست‌نوشته‌های آقا، شماره ۱۳۵۵، بارگذاری شده در <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>).

توجه دقیق و ظریف مفسر توحیدی به الفاظ قرآن و مقایسه الفاظ با ترجمه، حاکی از آن است که مفسر برای صرف الفاظ قرآن، جایگاه مقدس و باارزشی قائل است و علت این تقدس و ارزش را این‌گونه بیان می‌کند که با خواندن الفاظ ما در برابر خدای متعال قرار می‌گیریم و خداوند مخاطب و طرف حساب ما می‌شود. همین که در برابر خداوند قرار می‌گیریم و او طرف حساب ما می‌شود، پدیده‌ای است مفید و اثرآفرین که دستاوردهای نورانی و معنوی را در پی دارد.

اینکه مفسر، ارزشمندی الفاظ را در روبرویی با خدای متعال تعلیل می‌کند، نتیجه بینش توحیدی است که ذهنیت او را از الفاظ قرآن به صاحب قرآن منتقل می‌کند که

الفاظ به جهت انتساب به صاحب، دارای ارزشی ویژه هستند و تنها این الفاظ هستند که ارتباط مستقیم و بی‌واسطه‌ای میان قاری و خداوند ایجاد می‌کنند. وانگهی ترجمه الفاظ حائز این ارزش و تقدس نیست و توان برقراری ارتباط مستقیم میان قاری و خداوند را دارا نمی‌باشد. گفتنی است که در دیگر منابع قرآن پژوهی، این نگاه توحیدی معمولاً رعایت نشده است و قرآن پژوهان قدسیت الفاظ قرآن را به تعبد محض و قرب به حق تعالی نسبت می‌دهند (معرفت، ۱۳۸۲، ص ۱۸۵) که هرچند نسبتی توحیدی است، اما در مقایسه با نسبت مذکور از درجه توحیدی پایین‌تری برخوردار است.

نتیجه‌گیری

پژوهش انجام‌شده با پیش‌فرض اهمیت اعتبار بینش توحیدی در همه ساحات، کارکردهای این نوع بینش را در ساحت تفسیر ردیابی کرد که مهم‌ترین کارکردهای به‌دست آمده عبارتند از:

خدامحوری مفسر، توجه مفسر به انقطاع از غیر خدا و عدم درخواست از غیر او، توجه ویژه به ربوبیت توحیدی، اولویت‌مندی دین (توجه ویژه به دین)، اصالت عبودیت و بندگی، ولایت‌مداری، توجه ویژه و همیشگی به اخلاص، آخرت‌مداری، اطاعت‌محوری، معنویت‌مداری، ایمان‌مداری، حق‌مداری، توجه به تعلقات ویژه الهی و اعتماد به تقدس الفاظ قرآن. این کارکردها هر کدام ضلعی از هندسه خدامحوری هستند که مفسر توحیدی، تفسیر خود را بر پایه آن‌ها سامان‌دهی می‌کند.

در تحلیل کارکردهای به‌دست آمده می‌توان گفت که انقطاع از غیر خدا، مفهوم سلبی خدامحوری است. و توجه به مفاهیمی چون ربوبیت الهی، دین، عبودیت، ولایت، اخلاص، آخرت، اطاعت، معنویت، ایمان، حق و الفاظ قرآن از آن‌رو اتفاق می‌افتند که متعلق به خدای متعال هستند و بر محور و مدار خداوند هستی می‌یابند.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

** نهج البلاغه.

۱. ابن شهر آشوب، محمد. (۱۳۷۶). مناقب آل أبي طالب (ج ۳، محقق: گروهی از اساتید نجف). نجف: مطبعة الحیدریة.
۲. ایزدی، مصطفی. (۱۳۷۰). دیدگاه توحیدی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. برقی، احمد. (۱۳۷۰). المحاسن (محقق: سید جلال الدین الحسینی، ج ۱). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴. بهشتی، احمد. (۱۳۷۵). ربوبیت و عبودیت. درس‌هایی از مکتب اسلام، ۳۶(۵)، صص ۳۹-۴۵.
۵. پوررستمی، حامد. (۱۳۹۱). بررسی و حیاتی‌بودن الفاظ قرآن کریم با تأکید بر خطبه ۱۸۶ نهج البلاغه. پژوهش‌های نهج البلاغه، ش ۳۳، صص ۸۵-۱۰۰.
۶. حجازی، قدسیه. (۱۳۵۹). بنیاد توحید. بی‌جا: مرکز تحقیقات و انتشارات حقوقی قدسی.
۷. حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین. (۱۴۲۲ق). الله‌شناسی. مشهد: انتشارات علامه طباطبائی رحمته‌الله‌علیه.
۸. حیدری، اعظم. (۱۳۹۵). نقش‌ییش توحیدی در کسب فضایل اخلاقی بر اساس آیات قرآن کریم (راهنما: سکینه آخوند). قم: دانشگاه علوم و معارف قرآن.
۹. خادمی، ماجدی؛ عین‌الله، قدسیه. (۱۳۹۳). چیستی ایمان از دیدگاه ملاصدرا. فلسفه دین، ۱۱(۲۳)، صص ۲۸۹-۳۲۴.
۱۰. داودی جونقانی، نگین. (۱۳۹۸). کارکرد اندیشه توحیدی در مسئولیت‌پذیری در سیره و سخن علوی (اساتید راهنما: حمیدرضا سروریان و علی‌رضا رستمی هراتی). قم: دانشگاه حضرت معصومه علیها‌السلام.
۱۱. دست‌نوشته‌های آقا، بارگذاری شده در: <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>

۱۲. ربیعی، یدالله؛ نگارش، حمید. (۱۳۹۵). رابطه ربوبیت توحیدی و عنایت الهی در نظام اندیشه قرآنی. تحقیقات کلامی، ش ۱۵، صص ۴۵-۶۰.
۱۳. سعیدی، محمدمسعود. (۱۳۹۹). چیستی معنویت به مثابه موضوعی برای پژوهش‌های تطبیقی در قرآن. پژوهش‌های عقلی نوین، ش ۱۰، صص ۱۴۷-۱۷۰.
۱۴. شریفی‌نیا، محمدحسین. (۱۳۹۱). الگوهای روان‌درمایی یکپارچه با معرفی درمان یکپارچه توحیدی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۵. شوکت پورلطفی، شهلا؛ شمسیان، محمد. (۱۴۰۰). رابطه شیوه‌های فرزندپروری و دین‌مداری با تاب‌آوری دانش‌آموزان. روان‌شناسی و علوم رفتاری ایران، ش ۲۷، صص ۵۱-۶۲.
۱۶. صادقی، نبی. (۱۳۵۹). ابعاد جهان بینی توحیدی قرآن. قم: دارالفکر.
۱۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (بی‌تا). التوحید (محقق: سیدهاشم حسینی طهرانی). قم: نشر اسلامی.
۱۸. صدیقی، حسین. (۱۳۹۲). کارکردهای باور توحید عبادی در زندگی از دیدگاه آیات و روایات. فصلنامه علمی تخصصی محفل، ش ۱۱، صص ۱-۷.
۱۹. طباطبایی بروجردی، حسین. (۱۳۹۹). جامع‌أحادیث الشیعة (ج ۱). قم: المطبعة الحیدریة.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱۰). بیروت: مؤسسه الأعلمی.
۲۱. طبرسی، علی. (۱۴۱۸ق). مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار (محقق: مهدی هوشمند). قم: دارالحدیث.
۲۲. طباطبایی، محمدتقی. (۱۳۸۵). مروری بر جایگاه آخرت‌گرایی در مدیریت اسلامی و تأثیر آن در حوزه وظیفه برنامه‌ریزی. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ش ۲۳، صص ۱۷-۴۰.
۲۳. کلانترزاده، فریبا. (۱۳۹۷). بررسی جلوه‌های توحید در قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی. آفاق علوم انسانی، ۲(۱۶)، صص ۲۱-۳۴.
۲۴. کوچک‌زاده، مریم. (۱۳۹۹). مفهوم آخرت‌گرایی، چگونگی تحقق آن در فرد و چگونگی ترویج آن در جامعه. همایش ملی قرآن و روانشناسی، دوره ۱، صص ۶۷۰-۶۸۵.

۲۵. محسنی، محمدسالم. (۱۴۰۰). چیستی حق بر مبنای نظریه اعتباریات علامه طباطبایی. پرتو خرد، ش ۲۱، صص ۵-۲۲.
۲۶. محمدی، پهلوان؛ فقهی زاده، روح‌الله و منصور، عبدالهادی. (۱۳۹۳). مؤلفه‌های خدامحوری و آثار آن در زندگی از دیدگاه قرآن و روایات. اسلام و مطالعات اجتماعی، ش ۶، صص ۲-۲۲.
۲۷. محمود، مصطفی. (۱۳۵۹). جهان‌بینی توحیدی: سفری از شک به ایمان (مترجم: محمد مهدی فولادوند). تهران: شرکت نشر البرز، پیکان.
۲۸. مشایخی‌راد، شهاب‌الدین. (۱۳۸۱). اصول تربیت از دیدگاه اسلام. روش‌شناسی علوم انسانی. ش ۳۲، صص ۵۰-۶۸.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۶۷). توحید. قم: شفق.
۳۰. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی توحیدی. تهران: انتشارات صدرا.
۳۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴). مجموعه آثار استاد شهید مطهری (ج ۳). تهران: صدرا.
۳۲. معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۲). تاریخ قرآن. تهران: سمت.
۳۳. مؤمنی، غلامرضا. (۱۳۹۱). جایگاه دین در تربیت خانواده. مکتبه و اندیشه، ش ۴۵، صص ۷۳-۶۴.
۳۴. میرباقری، سیدمحسن. (۱۳۹۴). خدامحوری یا انسان‌محوری؟ رشد آموزش قرآن، ش ۴۸، صص ۴-۹.
۳۵. نورمحمدی، غلامرضا. (۱۳۹۸). نقش‌بیش توحیدی در سلامت انسان. قرآن و طب، ش ۷، صص ۲-۷.
۳۶. وکیلی، محمدحسن. (۱۳۹۷). توحید داروی دردها. مشهد: موسسه جوانان آستان قدس رضوی.
۳۷. وکیلی، محمدحسن. (۱۴۰۰). تجلی توحید در زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام. مشهد: ملک اعظم.

۳۸. وکیلی، محمدحسن. (۱۴۰۱). سلوک توحیدی. مشهد: صبیح توحید، موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.

۳۹. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله. (۱۴۰۰ق). منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة. تهران: مکتبه الاسلامیه.

۴۰. اساتید بزرگ حوزه در خراسان، (۱۳۹۹/۱۱/۴). <http://www.hsu.ac.ir/alavi> (درگذشت حجت‌الاسلام والمسلمین علوی سبزواری از

۴۱. <http://jahedkhabar.ir/?p=71363> (درگذشت حجت‌الاسلام والمسلمین علوی سبزواری از اساتید بزرگ حوزه در خراسان، ۱۳۹۹/۱۱/۴).



References

* The Holy Qur'an.

** Nahj al-Balaghah

1. Barqi, A. (1991). *Al-Mahasin* (S. Jalal al-Din al-Husseini, Ed., Vol. 1). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
2. Beheshti, A. (1996). Rabubiyyat va 'Ubudiyyat. *Lessons from the School of Islam*, 36(5), pp. 39-45. [In Persian]
3. Davoodi Jonghani, N. (2019). *The Function of Monotheistic Thought in Responsibility in the Life and Words of Ali* (Supervisors: Hamidreza Sarooryan & Ali Reza Rostami Herani). Qom: Hazrat Masoumeh University. [In Persian]
4. *Handwritten Notes of Agha*, From: <https://cloud.hsu.ac.ir/apps/files/sharinglinks>.
5. Hashemi Khoei, M. H. (2023). *Manhaj al-Bara'ah fi Sharh Nahj al-Balaghah*. Tehran: Maktabat al-Islamiyah. [In Arabic]
6. Heidari, A. (2016). *The Role of Monotheistic Insight in Acquiring Ethical Virtues Based on the Verses of the Quran* (Advisor: Sakineh Akhoond). Qom: University of Quranic Sciences and Teachings. [In Persian]
7. Hejazi, Q. (1980). *Towhid Foundation*. Center for Legal Research and Publications of Ghodsi. [In Persian]
8. Hosseini Tehrani, S. M. H. (2000). *Ilahiyat*. Mashhad: Alamah Tabataba'i Publications. [In Arabic]
9. Ibn Shahr Ashoub, M. (1997). *Manaqib Al Abi Talib*. (Vol. 3, Group of Scholars of Najaf, Eds.). Najaf: Matba'at Al-Haidariyya. [In Arabic]
10. In memoriam: Death of Hojjat al-Islam wal Muslimeen Alavi Sabzevari, one of the great scholars of the seminary in Khorasan. (2020). Retrieved from <http://www.hsu.ac.ir/alavi> [In Persian]
11. In memoriam: Death of Hojjat al-Islam wal Muslimeen Alavi Sabzevari, one of the great scholars of the seminary in Khorasan. (2020). Retrieved from <http://jahedkhabar.ir/?p=71363> [In Persian]
12. Izadi, M. (1991). *Monothetic Perspective*. Tehran: Office of Islamic Culture Publications. [In Persian]

13. Kalantarzadeh, F. (2018). An Examination of the Manifestations of Monotheism in the Quran from the Perspective of Allameh Tabatabai. *Horizons of Humanities*, 2(16), pp. 21-34. [In Persian]
14. Khademi, M., & Einollah, G. (2014). The Nature of Faith from the Perspective of Mulla Sadra. *Philosophy of Religion*, 11(23), pp. 289-324. [In Persian]
15. Kuchakzadeh, M. (2020). The Concept of Hereafter Orientation, Its Realization in Individuals, and Its Promotion in Society. *National Conference on the Quran and Psychology*, 1, pp. 670-685. [In Persian]
16. Mahmoud, M. (1980). *Monotheistic Worldview: Journey from Doubt to Faith* (M. Mahdi Fouladvand, Trans.). Tehran: Alborz Publishing Company. [In Persian]
17. Marefat, M. H. (2003). *History of the Quran*. Tehran: SAMT. [In Persian]
18. Masbah Yazdi, M. T. (1989). *Monotheism*. Qom: Shafaq. [In Persian]
19. Mirbaqeri, S. M. (2015). Servitude or Anthropocentrism? *Growth of Quranic Education*, 48, pp. 4-9. [In Persian]
20. Mohammadi, P., Faghihzadeh, R., & Mansoor, A. H. (2014). Components of Servitude and Its Effects on Life from the Perspective of the Quran and Narrations. *Islam and Social Studies*, 6, pp. 2-22. [In Persian]
21. Mohseni, M. S. (2021). The Concept of Right Based on the Theory of Epistemology of Allameh Tabatabai. *Parto-e Khirad*, 21, pp. 5-22. [In Persian]
22. Mo'meni, G. (2012). The Role of Religion in Family Education. *Correspondence and thought*, 45, pp. 64-73. [In Persian]
23. Moshayekhi Rad, S. (2002). Principles of Education from the Islamic Perspective. *Methodology of Human Sciences*, 32, pp. 50-68. [In Persian]
24. Motahhari, M. (1999). *Introduction to Monotheistic Worldview*. Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
25. Motahhari, M. (2005). *Collected Works of Martyr Motahhari* (Vol. 3). Tehran: Sadra. [In Persian]

26. Noormohammadi, G. R. (2020). The Role of monotheistic insight on human health. *Quran and Medicine*, 7, pp. 2-7. [In Persian]
27. Poorrostami, H. (2012). Investigation of the Divine Nature of the Words of the Quran with Emphasis on Sermon 186 of Nahj al-Balagha. *Nahj al-Balagha Research*, 33, pp. 85-100. [In Persian]
28. Rabiei, Y., & Negarish, H. (2016). The Relationship between Monotheistic Lordship and Divine Favor in the System of Quranic Thought. *Theological Research*, 15, 45-60. [In Persian]
29. Sadeghi, N. (1980). *The Dimensions of Quranic Monotheistic Worldview*. Qom: Dar al-Fikr. [In Persian]
30. Sadooq, M. (n.d.). *Al-Tawhid* (S. H. Husseini Tehrani, Ed.). Qom: Islamic Publishing House. [In Arabic]
31. Saeidi, M. M. (2021). The Concept of Spirituality as a Subject for Comparative Research in the Quran. *New Rational Research*, 10, pp. 147-170. [In Persian]
32. Sedighi, H. (2013). The Functions of Belief in Divine Unity in Life from the Perspective of Quranic Verses and Narrations. *Mahfel Quarterly Journal*, 11, pp. 1-7. [In Persian]
33. Sharifinia, M. H. (2012). *Unified Psychological Patterns with Introduction to Unified Therapeutic Approach*. Qom: Research Institute of Hawzah and University. [In Persian]
34. Shokatpour Lotfi, S., & Shamsian, M. (2021). The Relationship between Parenting Styles and Religiosity with Resilience in Students. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, 27, pp. 51-62. [In Persian]
35. Tabarsi, A. (1997). *Mishkat al-Anwar fi Ghurar al-Akhbar* (M. Houshmand, Ed.). Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
36. Tabatabai Borujerdi, H. (2018). *Comprehensive Shiite Traditions* (Vol. 1). Qom: Al-Matba'ah Al-Haidariyyah. [In Arabic]
37. Tabatabai, S. M. H. (1971). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 10). Beirut: Al-Alami Institute. [In Arabic]

38. Toobayi, M. T. (2006). A Review of the Place of Hereafter Orientation in Islamic Management and Its Impact on the Duty of Planning. *Islamic Law Research Journal*, 23, pp. 17-40. [In Persian]
39. Vakili, M. H. (2018). *Monotheism: The Cure for Pain*. Mashhad: Youth Institute of Astan Quds Razavi. [In Persian]
40. Vakili, M. H. (2023). *Manifestation of Monotheism in the Life of Hazrat Fatemeh*. Mashhad: Melk Aazam. [In Persian]
41. Vakili, M. H. (2024). *Monotheistic Conduct*. Mashhad: Sobh-e Towhid, Institute of Strategic Studies in Islamic Sciences and Studies. [In Persian]

